

مانند مورد اسکاتلندی‌ها در بریتانیا یا کاتالان‌ها در اسپانیا. اما در یک جامعه شدیداً مستقل و مسلح با سنت طولانی درگیری‌های خونی و تاریخ چند ده ساله جنگ داخلی (افغانستان)، بازخورد محتمل‌تر، درگیری خشونت‌آمیز است!

شاید اگر آژانس اطلاعات پاکستان از طالبان در هنگام شکست نظامی حمایت نمی‌کرد، اگر حملات هواپیماهای بدون سرنشین ناتو باعث بیگانگی بیشتر مردم نمی‌شد و اگر نخبگان افغان تحت حمایت ایالات متحده بشدت فاسد نمی‌شدند، اوضاع می‌توانست متفاوت باشد؛ اما کارت‌ها در برابر استراتژی دولت امریکا روی هم چیده شد و اتفاقات اخیر را رقم زد.

واقعیت این است که رهبران ایالات متحده باید بهتر می‌دانستند. همان طور که «ملیسا دل»^[۷] و «پابلو کورویین»^[۸] مستند می‌کنند، امریکا استراتژی از بالا به پایین را در ویتنام نیز اتخاذ کرد و به طرز شگفت‌انگیزی نتیجه معکوس داد، اماکنی که برای تسلیم کردن «ویت کنگ» بمباران شده بودند، حتی بیشتر از بقیه نقاط از شورش ضد امریکایی حمایت کردند.

حتی گویاتر از ویتنام تجربه اخیر خود ارتش امریکا در عراق است. همان طور که تحقیقات «الی برمن»^[۹]، «ژاکوب شاپیر»^[۱۰] و «جوزف فلتر»^[۱۱] نشان می‌دهد زمانی که امریکایی‌ها تلاش کردند با حمایت گروه‌های محلی، قلب‌ها و ذهن‌ها را به دست آورند، موج‌سازی در آنجا بسیار بهتر عمل کرد. به طور مشابه کار خود من با «علی چیمما»^[۱۲]، «عاصم خواجه»^[۱۳] و «جیمز رابینسون»^[۱۴] نشان می‌دهد که در مناطق روستایی پاکستان مردم دقیقاً زمانی به بازیگران غیردولتی روی می‌آورند که فکر می‌کنند نهادهای دولتی برای آنها ناکارآمد و بیگانه هستند.

هیچ کدام از اینها به این معنی نیست که خروج امریکا از افغانستان نمی‌توانست بهتر مدیریت شود اما پس از ۲۰ سال تلاش نادرست، قابل پیش‌بینی بود که ایالات متحده در اهداف دوگانه خود یعنی خروج از افغانستان و پشت سر گذاشتن یک جامعه با ثبات و مبتنی بر قانون شکست بخورد.

نتیجه یک تراژدی عظیم انسانی است، حتی اگر طالبان به بدترین شیوه‌های خود بر نگردند مردان و به‌ویژه زنان افغان بهای گزافی را برای شکست‌های امریکا در سال‌ها و دهه‌های آینده خواهند پرداخت.

پی‌نوشت:

[۱] Daron Acemoglu

[۲] General Stanley McChrystal

[۳] سقوط سایگون که آزادسازی

سایگون توسط ویتنام شمالی یا آزادی

جنوب توسط دولت ویتنام از اشغال

امریکا نیز شناخته می‌شود؛ فتح

سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی،

توسط ارتش خلق ویتنام و جبهه

آزادی بخش ملی جنوب بود.

[۴] Qin dynasty

[۵] James C Scott

[۶] The Art of Not Being Governed

[۷] Melissa Dell

[۸] Pablo Querubin

[۹] Eli Berman

[۱۰] Jacob Shapiro

[۱۱] Joseph Felter

[۱۲] Ali Cheema

[۱۳] Asim Khwaja

[۱۴] James Robinson